

مکتب زنان

آندره ژید

ترجمه شهرزاد لاجوردی



قصیده سرا

www.ketab.ir



قصیده سرا

مکتب زنان

آندره زید / ترجمه شهرزاد لاجوردی

طرح جلد: فرزانه ممینی

آماده سازی و نظارت فنی: انتشارات قصیده سرا

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ: صحاب

تعداد: ۱۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است.

۳۸۰۰ تومان

تلفن: ۸۸۹۹۲۹۸۷

پست الکترونیک: ۱۵۸۷۵ - ۶۳۵۴

ghasidehsara@hotmail.com

فروش اینترنتی: iketab.com

این کتاب با سرمایه گذاری شرکت نقش امید صبا چاپ و منتشر شده است

شناسه	زید، آندره پل گروم، ۱۸۶۹-۱۹۵۱ م. Gide, Andre Aaul Guillaume
عنوان و پدیدآور	مکتب زنان/ آندره زید؛ ترجمه شهرزاد لاجوردی.
مشخصات نشر	تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	۲۴۸ ص.
فروست	ادبیات امروز؛ ۲۹.
شابک	۳۸۰۰۰ ریال: 978-964-8618-73-0
یادداشت	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: L'Ecole des femmes, 1973
یادداشت	این کتاب نخستین بار با عنوان «سرشت زنان» با ترجمه همایون رکنی قاجار توسط انتشارات جامی به چاپ رسیده است.
عنوان دیگر	سرشت زنان.
موضوع	داستان های فرانسه - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	لاجوردی، شهرزاد، مترجم.
رده بندی کنگره	۴۱۳۸۵: اس ۴۱/ PQ2۶۲۱۱
رده بندی دیویی	۸۴۳/۹۱۴
شماره کتابخانه ملی	۴۲۹۹۱-۸۵

فهرست

۹	گفتار مترجم
۱۱	مکتب زنان
۱۵	بخش اول
۵۳	بخش دوم
۹۹	روبرت
۱۰۱	کوورویل، ۵ سپتامبر ۱۹۲۹
۱۰۳	قسمت اول
۱۲۸	قسمت دوم
۱۴۹	ژونوویو یا رازگوییهای ناتمام
۱۵۳	اوت ۱۹۳۱
۱۵۷	قسمت اول
۲۰۶	قسمت دوم

گفتار مترجم

کتاب مکتب زنان ژید را می‌توان قصه‌ای از واقعیت دانست. شاید که از نظر بسیاری از صاحب‌نظران و مستقدان، موضوع آن اهمیت زیادی نداشته نباشد؛ یا حتی در مقایسه با سایر آثار ژید، کتاب مشهوری نباشد؛ اما می‌توان آن را تصویری بسیار استادانه و تجزیه و تحلیلی روانکاوانه از انسان دانست که هوش و ذکاوت از جزء جزء آن می‌تراود. این کتاب نظم و ترتیب معنوی و عادلانه‌ای از سایه روشن، از سکوت و سخن است. نویسنده همچون روانکاوی متبحر با قلم توانای خود، زنگار و غبار روح را می‌زداید و آن را چنان شفاف می‌سازد که همه زوایای آن را می‌توان آشکارا مشاهده کرد. داستان به صورت دفترچه خاطرات شخصی به نگارش درآمده و این ژید است که بی‌محایا از احساسات و افکار یک زن و شوهر و دخترشان در سه قسمت مجزا سخن می‌گوید. زنی را به نام اولین به تصویر می‌کشد که عاشق روبرت می‌شود، این عشق او را آنچنان کور کرده است که هرچه در این مرد می‌بیند سراسر حسن است و واژه‌ای برای توصیف او جز «متشخص» نمی‌یابد. این مرد چشمهای او را درباره نقش زن در زندگی مردان بزرگ باز می‌کند. بنابراین از این پس

گمان می‌کند که همه زندگی‌اش را باید وقف این کار کند. آندره ژید واژه «متبلورشدن» استاندارد را که درباره عشق بیان کرده است به خوبی نشان می‌دهد. اما این عشق سوزان به مرور زمان از تبلور می‌افتد. اولین عاشق و فداکار، تبدیل به اولین تیزبین و سرخورده می‌شود. او کم‌کم متوجه می‌شود که روبرو متشخص نیست بلکه این هنر را داراست که خود را متشخص نشان دهد: شوهر خوب، پدر خوب، مردی درستکار بنا بر معیارهای زمان خویش؛ متدین، متبحر در کار، دیگران را به غیر از چند نفر که زبل و باهوش هستند، فریب می‌دهد. اغلب اوقات سر خودش را هم کلاه می‌گذارد، دنباله‌رو جماعت است و زهد فروش. پس تنها راهی را که می‌یابد برای آنکه از او متنفر نشود؛ این است که دیگر او را نبیند.

در پایان از استاد بزرگوارم آقای دکتر نادرزاد که همواره در ترجمه این اثر رهنمون من بودند، سپاسگزارم.